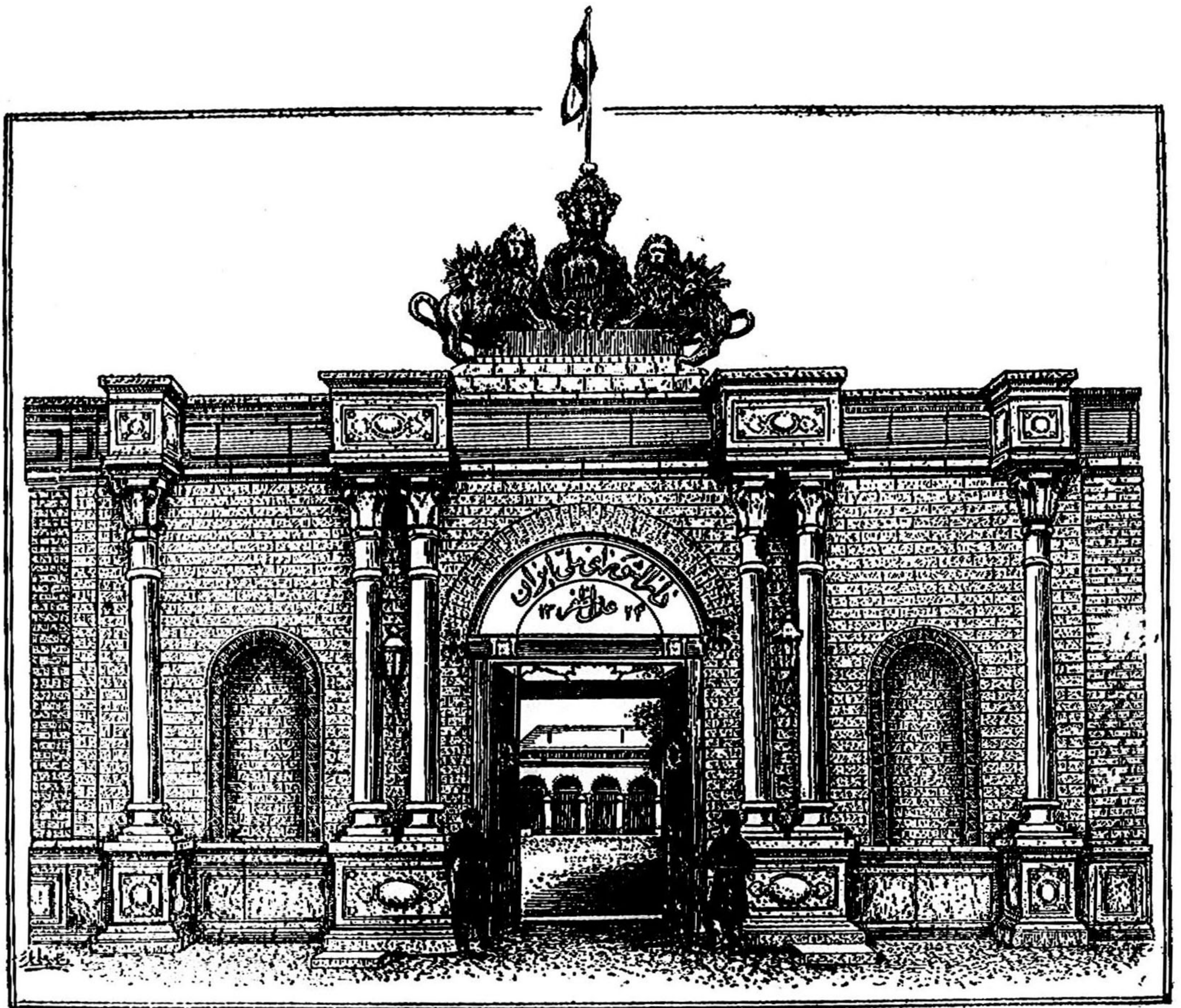


دوره ششم تقویمیه

<p>جلسه ۱۰۹</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۷۴</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۲ ذیقعده الحرام ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجہ درازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

# فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	سؤال آقای عباس میرزا از دولت راجع به اقداماتی که نسبت به تجارتی شمال شده است و جواب آقای وزیر معارف	۱۴۹۱	۱۴۹۲
۲	بقیه شور اول نسبت بخر کمیسیون معارف راجع بقانون طبابت و تصویب ورود در شور ثانی لایحه مزبوره	۱۴۹۲	۱۴۹۵
۳	شور اول خبر کمیسیون فوائد عامه راجع بتمدید مدت امتیاز کبریت سازی آذربایجان و تصویب ورود در شور ثانی لایحه مزبوره	۱۴۹۵	۱
۴	مذاکره نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به اضافات سنه ۱۳۰۵ بودجه وزارت امور خارجه	۱۴۹۶	۱۵۱۱
۵	تصویب تشکیل جلسات مجلس شورای ملی سه روز در هفته	۱۵۱۱	



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۲ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۲ ذیقعده ۱۳۴۵

### جلسه ۱۰۹

( مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا  
تشکیل گردید )  
( صورت مجلس یکشنبه سی و یکم اردیبهشت را  
آقای بنی سلیمان قرائت نمودند )

بنی سلیمان - چون غائبین آن روز خوانده نشده بود  
امروز خوانده میشود  
غائبین جلسه ۱۰۷  
غائبین با اجازه - آقایان: عمادی - میرزا حسینخان

موقر - نظام مافی - سید ابراهیم ضیاء - حشمتی - پالیزی  
نوبخت - بهبهانی - معظمی - آیه الله زاده اصفهانی - نظامی  
عباس میرزا .

غائبین بی اجازه - آقابان : علیخان اعظمی - یاسائی  
حاج حسن آقا ملک .

دیر آمدگان با اجازه

آقابان : ملک مدنی - الفحیمی - شریعت زاده - روحی

دیر آمده کان بی اجازه

آقابان : فهیمی - مرآضی قلیخان بیات - میرزا محمد  
تقی بهار -

غائبین جلسه ۱۰۸

غائبین با اجازه - آقابان : عمادی - معظمی - میرزا  
حسینخان موقر - اسفندیاری - نظام مافی - سید ابراهیم  
ضیاء - شریعت زاده - حشمتی - حیدری مکری - نظامی  
پالیزی - قوام شیرازی - نوبخت - بهبهانی - میرزا محمد  
تقی بهار - دکتر لفهان - زعیم .

غائبین بی اجازه

آقابان : اعظمی - یاسائی - حاج حسن آقا ملک  
دیر آمدگان با اجازه

آقابان : عراقی - عدل .

رئیس - صورت مجلس ایرادی دارد یا خیر ؟

( گفته شد خیر )

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . آقای عباس میرزا  
عباس میرزا - قریب یازده ماه است که مجلس  
افتتاح شده است . از آن موقعیکه اهالی آذربایجان ما را  
فرستادند اینجا خیلی نگران بودند از وضعیت تجارت  
و اوضاع اقتصادی خودشان و مکرر در اینجا عرایض  
آنها را به عرض نمایندگان محترم رسانده ایم و همیشه  
امیدوار بوده و هستیم که از طرف دولت يك اقدامی  
در کارهای آنها بشود و حالا که یازده ماه میگذرد ...  
بعضی از نمایندگان - نه ماه .

اطلاع داده است آقای وزیر امور خارجه و خبر جدیدی  
هنوز نرسیده است .

رئیس - ماده دوم قانون طبابت در جلسه گذشته مطرح  
بود ولی چون عده کافی نبود ماند برای امروز . لیکن  
آقایان عراقی و دادگر و کازرونی پیشنهاد کرده اند  
خبر کمیسیون فوائد عامه راجع به کبریت سازی آذربایجان  
مطرح شود . آقای عراقی

عراقی - عرض کنم این لایحه مدنی است آمده و  
در آذربایجان هم مدنی است آن بیچاره ها منتظرند و  
يك چیز مختصری است اگر این مسئله مطرح شود هم  
آذربایجانها خیرالشان راحت میشود و هم تشویقی از آنها شده و  
مجلس هم علاقه به آنها نشان داده است .

وزیر معارف - همانطور که مقام محترم ریاست اظهار کردند  
ماده دوم قانون طبابت نحت شور بود مذاکرات هم کافی  
شده است چیزی نیست خوب است آقایان موافقت بفرمایند  
شور اول هم هست آن قضیه بعد از این مطرح شود  
رئیس - مخالفی ندارد ؟

عراقی - بسیار خوب بعد از این .

رئیس - در ماده دوم دیگر اظهاری نیست ؟ آقای  
افسر .

محمد هاشم میرزا افسر - بنده در ماده دوم مخالف  
بودم ولی تمام عرایض را عرض نکردم حالا اگر  
مطرح است و اجازه می فرمایند عرایض را عرض کنم  
رئیس - بفرمائید

افسر - آن روز يك قسمتی از عرایض را عرض  
کردم ولی جواب هائی که آقای معارف وزارت معارف  
دادند معلوم نشد عرایض بنده را ملتفت نشدند با  
نخواستند جواب مرحمت بفرمائید . بنده عرض کردم  
با کله دکترا که اینجا نوشته شده است مخالفم با امتیاز  
لازم است یا لازم نیست و همینطور که تا کنون  
بوده که اگر هر کس میخواست است بطیب مراجعه

کند خودش تشخیص میکرده که تا درجه معلومات  
طب جدید میداند ، طب قدیم میداند ، متخصص فنی  
است یا نه . امروز که میخواهید امتیاز قائل شوید که  
يك قسمتی حق استعمال کله دکترا را نداشته باشند و  
يك قسمت حق استعمال آرا نداشته باشند پس نباید  
درجات را مخلوط کرد . همان امتیازی که شما قائل  
هستید برای يك کسی که در مدرسه طب اینجا تحصیل  
کرده و دیپلم گرفته با آن اطباء قدیم . البته برای آن کسیکه  
میروید در مدارس عالیہ فرنگستان تحصیل میکنند و  
عملیات مفصلی می بینند و متخصص فنی میشود و تصدیقنامه  
مفصلی میگیرد وقتی که میآید اینجا باید با دیپلمه های  
مدارس اینجا همان امتیاز را دارا باشد . خوب است  
پنج درجه چهار درجه معین کنند که آن کسانی که در  
مدارس عالیہ در اعلی درجه تحصیل کرده اند اسم خاصی  
داشته باشند و آنهایی که از مدارس اینجا بیرون  
می آیند يك اسمی داشته باشند و آنهایی که دیپلم از  
مدارس اینجا ندارند يك اسم دیگری داشته باشند نه  
اینکه لفظ دکترا را به يك عده اختصاص بدهند . آن  
اطبائی که در خارجه تحصیل کرده اند با اطبائی که در اینجا  
دیپلم گرفته اند همان نسبت را دارند که اطبای قدیم با اطبائی  
که از اینجا دیپلم گرفته اند دارند و اینهایی هم که در  
اینجا دیپلم گرفته اند سمت شاکردی آنهاست که در اروپا  
تحصیل کرده اند دارند . اگر باید امتیاز قائل شد باید  
درست قائل شد و الا هیچ محتاج نیست و باید بگذارند  
به تشخیص خود مرضاء و اشخاصیکه مراجعه میکنند  
عقیده بنده این است سه یا چهار یا پنج درجه  
قائل شوند . با آقابانی که در این خصوص تخصص  
دارند یا آقای وزیر معارف توضیح بدهند یا اینکه  
لفظ دکترا را از اینجا بردارند و الا بنده مخالفم .

وزیر معارف - کله دکترا در علم متمدنه يك  
مفهوم و معانی خاصی را دارد و هر کسی دکترا نمیگویند  
و اجازه هم نمیدهند که این لغت را استعمال کنند .  
یکی از مواردی که کله دکترا استعمال میشود نسبت به

علمای طب است. اشخاصیکه در مدرسه طب رسمی دولتی را تمام میکنند و دیپلم میگیرند به آنها اجازه استعمال کلمه دکتری داده نمیشود به صرف اینکه تحصیلات مدرسه طب را تمام کرده نمیتواند کلمه دکتر را استعمال کند و بگوید من دکترم بلکه یک شرایط دیگری لازم است که از جمله آنها این است که بعد از آنکه از مدرسه بیرون آمد و امتحان داد یک رساله بنویسد که میتوانم تعبیر کنم به رساله اجتهادیه و یک موضوع علمی را باید مطرح کند و از روی استدلال ثابت کند آن موضوع را یا عقاید شخصی خودش و اسم آن رساله نیز است و بقول ما رساله اجتهادیه و بعد باید آن رساله در محضر علماء درجه اول طب و مجتهدین برود و آنها مطالعه کنند اگر تصدیق کردند که صاحب این رساله صلاحیت دارد برای اینکه دکتر باشد و عبارتة اخری تصدیق کردند که مجتهد است آنوقت میگویند آقا شما دکترید والا فلا. حالا خواه در علم طب باشد. خواه در علم حقوق باشد. خواه در شعب دیگر. بنابر این امروز وضعیت مملکت ما از این حیث شباهت بجا های دیگر ندارد. جاهای دیگر دکتر که دارند باید اینطور باشد. مابک مدرسه طب داریم و حقاً آنها هم که از این مدرسه بیرون می آیند و تحصیل کرده اند و تصدیق دارند حق استعمال کلمه دکتر را ندارند ولی ناچار رعایت این نکته نشده است. در موقعیکه قانون سابق در دوره دوم از مجلس گذشته است عملاً دو قسم طبیب در ایران منظور شده است یکی آنکه دیپلم داشته از مدارس طب داخلی یا خارجه او شده است دکتر. یکی دیگر آنکه چند سال بر طبق آن قانون سابقه داشته و امتحان داده است او شده است طبیب مجاز. الان مادر این مملکت این دو قسم طبیب را داریم. یک طبیب است دکتر و یکی طبیب است طبیب مجاز و وزارت معارف هم بانها تصدیق داده است که طبیب مجازند. یک قسم هم دکتر هائی هستند که دارای شرایط دکتری هستند و آنها

دکتر به مفهوم حقیقی خودش میباشد. ولی رعایت نشده و رفته رفته آن اطباء مجاز دکتر شده اند. شاگرد هائی که از مدرسه طب بیرون آمده اند دکتر شده اند آنها هم که تحصیلاتی کرده و صاحب تر هستند آنها هم دکتر هستند و البته این را هم تصدیق میفرمائید که این وضعیت وضعیت غیر مطلوبی است ولی این عمل شده و امروز هم در مملکت معمول است. و بقول یکی از اطباء که استدلال میکرد برای بقاء این کلمه میگفت کلمه دکتر بجای لغت حکیم باقی قدیم شده است. در سابق حکیم باقی میگفتند امروز میگویند دکتر بنده معتقد هستم از حیث عمل اگر یک عملیاتی در سابق شده است فعلاً مصلحت نیست دست به ترکیب آن زد و داعی ندارد هر چه شده شده. ولی از این تاریخ به بعد باید آقائان موافقت بفرمایند که از این مسئله جلوگیری بشود. اصل مقصود این است آن اشخاصی که طبیب مجاز هستند و مطابق این قانون آنها بیکه پس از امتحان طبیب مجاز میشوند حق استعمال کلمه دکتری را نداشته باشند. سابقین هستند و نا موقعیکه زنده هستند همانطور خواهند بود و بعد از صد و بیست سال که فوت کردند آنوقت این اسم هم با آنها خواهد رفت.

رئیس -- آقای احتشامزاده

احتشام زاده -- بنده مخالفم از این راه بود که یک عده از اطباء هستند که مشغول طبابت بوده اند و شاید در طب ایرانی مخصوصاً یک مقام ارجمند را دارا هستند. بنده مقتضی نمیدانم نسبت به آنها این عمل بشود و آنها را از استعمال کلمه دکتری منع کنند ولی مطابق فرمایشانی که آقای وزیر معارف فرمودند اشخاصی که هستند از این به بعد حق استعمال کلمه دکتر را ندارند بنده هم موافقم و پیشنهادی هم تقدیم کرده ام.

رئیس -- آقای کازرونی

کازرونی -- عرضی ندارم.

رئیس -- آقای باسائی

باسائی -- عرضی ندارم.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده خیلی میل دارم که یک دولت جدی و انقلابی باشد مابک وکلای انقلابی. اما متأسفانه مابک ملت بردباری هستیم و قدمهای خیلی کندی بر میداریم. اگر مابک دولت انقلابی داشتیم که این الفاظ را میزدند عقب و یک الفاظی سر جایش می گذاشتند خیلی خوشم می آمد ولی می بینم عملی نیست ما در دوره پنجم آمدیم القاب را ملغی کردیم ولی کلمات را زیاد کردیم. آن کلمه را مینویسند و در بین المللین مینویسند فلان فلان سابق و در کتابت هم زیاد تر شده است و این نشد چرا؟ برای اینکه ما میخواهیم قانون وضع کنیم و در عادات مردم مداخله کنیم و این ممکن نیست که ما قانون وضع بکنیم و مداخله در عادات مردم بکنیم. خوب است همینطور که قدمهای ما قدمهای ننگالی و ندریجی است یک قوانینی وضع نکنیم که در موقع عمل عملی نشود. بنده عرض میکنم ذکر این ماده دو در اینجا محتاج نیست برای اینکه هر فرآنگی ما آن که میگوید من طبابت میکنم من به او میگویم آقای دکتر. هر چه هم آقای وزیر معارف بگویند ما قانون وضع کرده ایم و دکتر نگوئید من دکتر میگویم من که در قانون دخالت نمیکنم. بلی ممکن است دولت در امتیازاتی که میدهد در احکام و فرامینی که میدهد اسم دکتر را نگذارد ولی مردم میگویند. همچو عقیده نامی ندارند و عقیده دنیائی هم نیست که بگویند چون این قانون را دولت وضع کرده است اگر ما نگوئیم میرویم به جهنم. حق هم دارند زیرا این قانون که مجازات هم ندارد. بنده هیچ معتقد نیستم که این ماده دوم اینجا نوشته شود. این یک چیزی است که در حقیقت ما مداخله در عادات مردم میکنیم. بلی دولت باید خودش را محدود کند که نسبت به آن اطبائی

که اجازه میدهد کدامش را دکتر بنویسد و کدام را ننویسد. اگر مقصود از وضع این قانون این است که مردم نگویند نمیشود ولی اگر مقصود این است که دولت بگوید هر کس از فلان مدرسه دیپلم داشت دکتر است آن یک چیزی است والا مردم بحرف شما گوش نمیدهند صبح کم الله هم نمیگویند.

وزیر معارف -- اینجا آقای آقا سید یعقوب توجه نفرمودند. فرق است بین تشخیص مردم و خود طبیب. مردم آزادند هر چه میخواهند بطرف بگویند ولی اینجا مقصود این است آن شخصی که طبیب مجاز میشود بر طبق این قانون او خودش حق ندارد دکتر امضا بکند و در نابو هم خودش بنویسد دکتر فلان. و البته باید قائل شد که کلمه دکتر لقب نیست رتبه و منصب است. آیا شما راضی میشوید که بهر کس بگویند مجتهد؟! جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.

رئیس -- پیشنهادها قرائت شود. با رجاع شود به کمیسیون؟

بعضی از نمایندگان -- ارجاع شود به کمیسیون.

رئیس -- ارجاع می شود. ماده سوم قرائت میشود. (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده سوم -- وزیر معارف مأمور اجرای این قانون است.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده خواستم در این خصوص مساعدت آقای وزیر معارف را جلب کنم و عقیده دارم پس از اینکه ما صحیه را مستقل کردیم و اختیاراتی باو دادیم در این خصوص هم اختیاراتی باو بدهیم و در واقع وزارت معارف با مسؤلیت مشترک اداره صحیه این کار را بکنند و هر دو مسؤل باشند دیگر حالا بسته بنظر خودشان است وزیر معارف -- لازم است عرض کنم قانونی که سابقاً مجلس در دوره دوم تصویب کرده تصریح دارد که

وزارت معارف مأمور اجرای این کار است. از نقطه نظر واقع این کار ربطی به وزارت معارف ندارد و کار او نیست اما قانون اینطور است و عمل هم بر این شده. در اختیاراتی هم که بصحبه کل مملکتی در چندی قبل داده شده خاطر آقایان هست که راجع بالحاق مدرسه طب به صحبه کل مملکتی بالاخره موافقت حاصل نشد ولی البته همچو تصور میکنم که در مواقع امتحانات يك كمك هاي فكري و عملي از اداره صحبه خواهيم خواست ولی اگر بخواهيم صورت قانونی باین کار بدهيم تصور میکنم مشکل است.

رئیس -- آقای زوار

زوار -- بنده تصور میکنم با توضیحاتی که آقای وزیر معارف اظهار داشتند خود آقای آقا سید یعقوب متقاعد شده باشند. عرض کنم این موضوع موضوع فنی نیست تا راجع بداره صحبه باشد يك مسئله عامی است و باید تحت نظر وزارت معارف باشد و امیدوارم آقای آقا سید یعقوب موافقت بفرمایند تا این کار عملی شود.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- شور اول تمام شد. رأی میگیریم بشور دوم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام کردند)

رئیس -- تصویب شد. لایحه کبریت سازی مطرح است. خبر کمیسیون فوائد عامه.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده -- در تعقیب قانون پانزدهم جدی ۱۳۰۱ مجلس شورای ملی بدولت اجازه داده میشود که پانزده سال بر مدت امتیاز کارخانه کبریت سازی آذربایجان افزوده و در تمام مدت امتیاز محصول و مواد خام و ما بحتاج کارخانه را از پرداخت حقوق گمرکی و کرایه خط آهن آذربایجان و کشتی رانی دریاچه رضائیه معاف نماید.

میکند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام کردند)

رئیس -- تصویب شد. خبر کمیسیون بودجه راجع باضافات وزارت خارجه مطرح است

(بشرح ذیل قرائت)

ماده واحده -- وزارت عمالیه مجاز است بودجه اضافی ۱۳۰۵ وزارت امور خارجه را که مبالغ آن بالغ بر شصت و پنج هزار و نهصد و شصت و دو تومان و پنج قران و چهار صد و پنجاه دینار می باشد بر طبق صورت ضمیمه پرداخت نماید

تبصره اول -- مؤسسانی که در بودجه اضافی مزبور پیش بینی شده و هنوز تأسیس نشده است بودجه آنها از محل اعتبار ۱۳۰۶ و از تاریخ تأسیس آن پرداخت خواهد شد

تبصره دوم -- وزارت خارجه مکلف است از اول تیر ماه ۱۳۰۶ اداره محاکات مرکزی وزارت امور خارجه و کار گذاری های ولایات را منحل و بانها اخطار نماید که بودجه از تاریخ مذکور پرداخته نخواهد شد

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- عرض میشود بنده آن رویه خود مرا هیچ نمی توانم تغییر بدهم بنده کلیه باین اضافاتی که بمجلس می آید باین حال اسفناك مملکت و مردم همیشه مخالفت کرده و خواهم کرد حق با حقوق اجزاء مجلس و حقوق وکلاء هم مخالفت کردم و حالا هم مخالفم و امیدوارم خود آقایان مساعدت کنند و حقوقشان را به صد و پنجاه یا دویست تومان برگردانند و بنده اساساً با اضافات مخالفم و همان طوری که عرض کرده ام خدا شاهد است که نظر خاصی با کسی ندارم. و آن نظری که راجع بدولت ها هست که وقتی بادولتها موافقت پیش نهاد او را قبول میکنند و وقتی موافقت ندارند لواط او را رد میکنند بنده این نظر را ندارم. حق عقیده بنده این است که این

نظر ممکن است بر ضرر مملکت باشد و معتقدم بر اینکه هر چه خوبست آقایان وکلاء بدون نظریه حزبی و فرا کمیونی باید قبول کنند و هر چه برای مملکت بد است رد کنند.

این اضافات از چند جهت برای مملکت مضر است یکی اینکه حال و وضعیت این مملکت بر همه ماها مکشوف است و همه میدانیم که اهالی این مملکت چه قسم زندگانی میکنند و جز معدودی باقی تمام اهالی با ذلت و سختی زندگانی میکنند باید برای مردم کار پیدا کرد. و هر روز نباید اینجا آمد و اضافاتی آورد و مجلس هم بدون تأمل رأی بدهد اگر باین ترتیب اوضاع پیش برود بنده عرض میکنم عنقریب بودجه مملکتی از تعادل خواهد افتاد بلکه کسر هم پیدا خواهیم کرد. از این گذشته مردم دیگر عقب کسب و کار نخواهند رفت و تمام سعی خواهند کرد که در وزارتخانهها و ادارات دولتی يك صندلی اشغال کنند و روزی دو سه ساعت آنجا بروند و کار بکنند یا کار نکنند و ماهی پنجاه تومان صد تومان دویست تومان سیصد تومان پانصد تومان بگیرند و بمصارف با هوده با بیهوده برسانند. بنده نمی توانم این قسم اضافات را تصدیق کنم و وقتی تصدیق میکنم موافق میشوم که انشاء الله بجهت تمام مردم کار پیدا شود تا همه از این فقر و پریشانی نجات پیدا کنند. آنوقت البته اگر يك محلی پیدا شد ضرر ندارد که قسمت کنند ولی وقتیکه مردم امروزه با این وضعیت زندگانی میکنند مقتضی نیست که هر يك از وزراء نخبانها همه ساله بجهت خودشان يك اضافاتی منظور کنند. سال گذشته اضافه کردند امسال هم اضافه سال دیگر هم اضافه بالاخره تا دیدند پولی رسید اول مجلس سهمش را گرفت بعد هم دیگران سهمشان را میخواهند بگیرند و امیدوارم بعد از این اینطور نشود و دولت پیشنهادات اضافاتی را بمجلس نیاورد. و اگر آورد مجلس بمقتضای عدالت و انصاف و دیانت خودش رأی ندهد

رئیس -- تبصره دوم را کمیسیون مجدداً اصلاح کرده است قرائت میشود ( بشرح ذیل خوانده شد )

تبصره دوم - وزارت خارجه مکلف است کارگذاری های ایالات و ولایات را از اول تیرماه ۱۳۰۶ و اداره محاکمات وزارتخارجه را از نوزدهم اردی بهشت ۱۳۰۷ که تاریخ انقضای مدت و موعد فسخ عهد نامه هائی است که از طرف دولت اعلام گردیده منحل نماید .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم . چون آقای حاج سید رضا مخالف بودند ، باید موافق حرف بزند .

شیروان مخبر کمیسیون بودجه - البته ما همیشه نظریات نماینده محترم آقای فیروز آبادی را در صرفه جوئی برای مملکت تقدیس میکنیم . و باید تصدیق کرد که ایشان کاملاً بوظیفه نمایندگی خودشان عمل میکنند ، لکن ضمناً تصدیق باید کرد که وظیفه ما تنها صرفه جوئی در خرج نیست . يك وظائف مهم تر دیگری هم داریم که شاید از نقطه نظر مصالح مملکت مفیدتر از صرفه جوئی باشد . نکته که باید عرض کنم این است که این لایحه که ( بنام لایحه اضافی اصطلاح کرده ایم ) يك لایحه اضافه خرج با اضافه حقوق نیست بلکه برای يك مؤسسان است که برای مملکت ما هر روزیکه بطرف تمدن و نچدد پیش میرویم لازم میشود . و البته بمقتضای پیش رفتن بطرف تمدن مخارج ما زیاد خواهد شد . نماینده محترم آرزومند هستند که مخارج مملکت هرروزه کمتر شود . ولی بنده آرزومندم که مخارج ما زیاد شود و بجائی برسد که مملکت ما دارای دوپست میلیون بودجه باشد...

کازرونی - همین امروز .

شیروانی - آرزوی میشود که دیگر ببرد آقای کازرونی نمیخورد . و البته باید دولت تمام وسائل را که امروزه

در نظر گرفت که اینک امتحان داده ایم که هیچوقت ما و رفقایمان خرج بیهوده را تصویب نمیکنیم ولی در این موضوع يك قدمی در تعقیب تصمیم اعلیحضرت راجع بالغای عهد نامه هائی که با دول داشته ایم برداشته ایم . و آن عبارت بود از حذف مؤسسان که تا امروز برای استقلال مملکت مضر بوده است اینها را کمیسیون بودجه ضمیمه این لایحه کرده و به مجلس شورای ملی تقدیم کرده است و اشاره کرده که کارگذارها و محاکمات خارجی وزارت خارجه باید لغو شود پس خوب است آقایان موافقت بفرمائید که این لایحه با اتفاق بگذرد و اگر يك مقاصد و نظریات سیاسی در کار است بنده عقیده دارم که در سایر لوایح بودجه اظهار شود .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی میل داشتم که مدافع این لایحه آقای شیروانی نباشد و درات باشد . ولی فرقی ندارد . بنده به برادر هم باشد میزنم ما در حال جنگیم آقای شیروانی یا آقای یاسائی هم باشند فرقی رای بنده ندارد و مخالفت میکنم بنده فرمایشات آقای شیروانی را بدقت مطالعه کردم نقطه نظر ایشان آن قسمتی که راجع به منافع مملکت است صحیح است و منافع و عظمت و ابهت مملکت را البته باید در نظر داشت ولی هیچیک از این اقلامی که در این لایحه نوشته شده برای ابهت و عظمت مملکت نیست . بنده و آقای یاسائی و شاهزاده فیروز میرزا وقتی که در کمیسیون بودجه بودند بودجه وزارت خارجه را بدقت ملاحظه کردیم . يك قلم برای سعادت مملکت زیاد نکرده اند بلکه برای اجزاء و اعضاء داخلی وزارت خارجه اضافاتی قائل شده اند . بنده باشما در این عقیده شریک هستم که وضعیت نمایندگان مادر خارجه باید آبرومند باشد . و همینطور وضعیت و روزگار اتباع ما در خارجه نباید مثل سابق بحال نکبت باشد و در خارجه باید نمایندگان قوی داشته باشیم تا بتوانند بپرق شیرو خورشید را حفظ کنند و آن چیزهایی که در دوره

های سابق دیده ایم دیگر تجدید نشود . ولی این کارها منحصرأ با زیاد کردن مصرف و خرج پست برای اشخاص صورت نمیگیرد . ملاحظه بفرمائید قبل از اینکه اداره دربار سلطنتی این جور منظم باشد انوشیروان خان در وزارت خارجه هم رئیس کابینه و تشریفات بود و هم کار جامعه ملل را اداره میکرد و بخوبی هم از عهده بر می آمد بدون اینکه يك مخارج فوق العاده برای مؤسسه جامعه ملل در نظر گرفته باشند . ولی حالا آمده اند و سالی شش هزار تومان يك قلم برای جامعه ملل معین کرده اند . خوب ! این چه ربطی به ابهت و حفظ استقلال ما دارد ؟ ما البته همه بحفظ استقلال و عظمت خودمان علاقه مندیم . ولی این چه ربطی دارد در اینجا يك ترتیبی شد و سالی شش هزار تومان باعتبار يك اخوی که آقای دیبا داشته است ...

بنده نمی خواهم وارد يك چیزهایی بشوم که حقیقه شرم آور است ولی باید حقایق را عرض کنم . در کمیسیون هم عرض کرده ام و نمی خواهم نقض قول بشود . مقصودشان این است که ایجاد پست بکنند و ماهی سیصد تومان سالی شش هزار تومان خرج کنند .

يك مسئله دیگر راجع به محاسبات است . وزارتخارجه نوزده نفر محاسب برای چه می خواهد ؟ وزارتخارجه کارش جمع مال و اموال است چه کار دارد که نوزده نفر محاسب باید داشته باشد . در کمیسیون ما زحمت کشیدیم و الحمدلله موفق شدیم که کارگذارها را بیک ترتیبی منحل کردیم . با اینکه ما کار گذاری ها را منحل کرده ایم معذک آقا چهار ماهه شصت هزار تومان که سالانه صد و هشتاد هزار تومان میشود بر بودجه وزارتخارجه اضافه کرده اند - آنوقت برای ما مورین خارجه چه منظور کرده ایم ؟ برای ژنرال قونسوها در جاهائی که تبعه ما زیاد است چه کرده ایم ؟ بنده در حلب بودم در خدمت آقای مدرس بودم در آنجا تبعه ایران زیاد بود و کسی نبود آنها را اداره کند . فقط در شام يك ژنرال قنصل

داشتیم ولی در سایر جاها که شما بروید در حلب و سوریه و فلسطین و هندوستان در همه جا اتباع ایران زیاد است و از عدل و انصاف دولتها همه در این نقاط رفته اند ولی از طرف دولت و وزارت خارجه مأمور و سرپرستی نیست. دولت باید قنصل و ویس قنصل در این نقاط بفرستد تا اتباع ایران را حفظ بکنند. آنوقت بجای اینکه این کار را بکنند می آیند و در عوض بر عرض و طول و عمق وزارت خارجه می افزایند بنده بارهان و دلیل عرض میکنم پس از اینکه اداره کار گذاری و محاکات را منحل کردیم معذالك چهار ماهه شصت هزار تومان اضافه کرده اند و در سال صد و هشتاد هزار تومان میشود. در صورتیکه ما از آن طرف کار گذارها را بوزارت داخله منتقل کردیم بلی. يك چند قلمی نسبت به وزیر مختار پاریس و بعضی دیگر اضافه کرده اند. همان مسئله ایست که بنده در موضوع بودجه وزارت فواید عامه عرض کرده ام وزارت خانهای ما با هم قشه گذاشته اند. مثلاً میگویند چون وزارت جنگ هیچده ضرور بودجه دارد ما هم باید اضافه داشته باشیم. وزارت فواید عامه می گوید چون راه دست من است باید فلان قدر اضافه داشته باشم. وزارت مالیه هم که دیگر حالت معلوم است. رب النوع اموال مردم است. وزارت خارجه که چهار نفر منشی و محاسب کارش را اداره میکند میگوید چرا من باید کمتر از آن باشم. آنوقت آقای شیروانی میفرمایند ما باید خیلی اهمیت بدهیم. بنده عرض میکنم در این قسمت من با شما همراه ولی اضافه خرج کردن در وزارت خارجه کار تبعه ما را اصلاح نمیکند. وزارت خارجه انگلستان شصت و يك نفر کارش را اداره میکند. و بطوریکه بنده اطلاع دارم اداره پولتیکی آن را شصت و يك نفر اداره میکند حالا شما میخواهید بفرمائید ما مثل انگلیس هستیم و همان اندازه که آنها لازم دارند ما هم لازم داریم؟ خیر. ما مثل آنها نیستیم. و ما باندازه آنها نمی

توانیم پریم. مکرر بنده عرض کرده ام که ما باید به اندازه گلیم خودمان پایمان را دراز کنیم بنده به حضرت والا عرض میکنم شما يك نگاه اجالی باین لایحه بکنید قلم بقال آن را بر عرض میرسانم تا اینکه بداند چه مخارج غیر لازمی است. بنده اگر يك مخارجی را محتاج الیه مملکت بدانم اول کسی خواهم بود که ورقه سفید بدهم و در آنجاها می که سیادت و سعادت مملکت من اقتضا کند مته بخشش نمیگذارم و در هر جا که به بیم برای مصالح سیاسی و اقتصادی مملکت دولت يك ملاحظاتی کرده بنده هم موافقت خواهم کرد. ولی در این قسمت بنده عرض میکنم تمام بودجه مرکزی وزارت خارجه است. چطور می توانم موافقت کنم که سالی صد و هشتاد هزار تومان به بودجه مرکزی وزارت خارجه اضافه شود؟! این قانون استخدام مثل اژدها دهانش را برای بلعیدن مملکت باز کرده و سالی ده میلیون بر بودجه مملکت اضافه میکند. ملاحظه بفرمائید سالی دویست هزار تومان برای هر وزارت خانه اضافه کردن بعد از ده سال دیگر چه خواهد شد؟ آنوقت همین حضرت والا وزیر مالیه می آیند این جا و چوب حراج مملکت را میگذارند. با این قانون و با این نظریات شما و این تعدیات و نجا و زانی که نسبت بحقوق ملت میشود بنده نمیدانم بالاخره چه خواهد شد؟ وزیر مالیه - چون نماینده محترم خیلی میل داشتند که بنده مدافع باشم تا مورد سخط و غضب ایشان بنده و رفقایم باشم نه همکارهای مجلسی ایشان لذا خودم را حاضر کرده ام خدمتشان جواب عرض کنم. بنده همیشه نظریات خودم در مورد بودجه این است که اگر يك مخارجی گزاف و بیهوده است آن را نباید قبول کرد. خود بنده هم با این مسئله موافقم. آقای آقا سید یعقوب باید نظر شان باشد که همین بودجه وزارت خارجه را ایشان و آقای یاسائی و بنده در سو کمیسیون بودجه با هم مطالعه کردیم و این لایحه اضافی هم که حاضر شده نتیجه همان مطالعات است و

بنده اینجا شهادت میدهم که با روح صمیمی نسبت بمصالح مملکت همه روز آقای آقا سید یعقوب ما را در سو کمیسیون بودجه نخریص میکردند که در بودجه وزارت خارجه هیچ گونه اضافه خرجی قائل نشویم ولی حالا بنده نمیدانم چه شده که بعد از رفتن و محرومیت بنده در ادامه شرکت در کار و با اینکه قطعاً از جدیت ایشان و رفقای ایشان هم هیچ کاسته نشده امروز ناراضی دارند.

این اضافات همان طور که آقای شیروانی اظهار داشتند و خود آقای آقا سید یعقوب هم تصدیق کردند که برای ترقی و توسعه و اهمیت مملکت است در اینجا يك اشاره بسفارتخانهای خارج شد و اظهار داشتند در این اضافاتی که شده نسبت بانجاها چیزی منظور نشده بنده هم خیلی تأسف دارم ولی باید دید حقیقتاً يك اضافه شده که همه اش آنجا مصرف نشده یا آنکه اگر اضافه شده يك قسمتش آنجا مصرف نشده و آبا آن قسمت دیگرش که در مرکز مصرف شده صرف چه شده است؟ بنده در تمام این لایحه آن طوری که خاطر می آید (چون تازگی مراجعه باین لایحه اضافه نکرده ام) ما در سو کمیسیون هیچ جا اضافه حقوق برای اجزاء وزارت خارجه در مرکز منظور نکرده ایم. غیر از این است آقا؟ خود آقای آقا سید یعقوب این مسئله را تصدیق میفرمایند. پس اضافه حقوق که قائل نشدم پس چه شده؟ اگر این اضافات در مرکز و خارجه پیش آمده برای این بوده است که وزارت خارجه يك مؤسسه یا مؤسسانی را برای جریان کار خودش و برای پیشرفت امور اداری لازم دید و این پیش بینی را کرده و علاوه نموده. اگر يك همچو چیزی باشد و هست البته تصدیق میفرمائید که این خودش مربوط میشود بان مسائل اصولی و اساسی که آقایان تصدیق میکنند که باید با آنها موافقت کرد. این مملکت را تنها نمایندگی در خارجه حفظ نمی کنند.

این مملکت را (از حیث وزارت خارجه) این حفظ میکنند که در دائره مرکزی در آنجا یک حکم مغز را نسبت بنام مؤسسات و سفارتخانهای خارج دارد. در آنجاها می که باید تمرکز بدهد تمام این سیاست هارا و دستور العمل هائی را که با آنها صادر میکند باید مؤسسانی باشد که آن مؤسسات استعداد و وسیله این را داشته باشد که بتواند تمام این امور را تمرکز بدهد بنده مکرر این را در مجلس عرض کرده ام. در وقتی هم که در کار بوده ام عرض کردم و خودم هم که وزیر خارجه بودم تجربه کرده ام و وقتی هم که در سایر وزارتخانهای دیگر بودم در هیئت دولت تجربه کرده ام که بزرگترین نكس کار ما نه تنها از حیث خارجه بلکه در داخله هم همیشه این است که ما نسبت بدیگران وسائل اطلاعات کم است. اسباب کار آن تحقیقات و مقدماتی که لازم است در دست باشد برای يك آدمی که می خواهد نقشه بکشد و فکری بکند و با داشتن آن اسباب و ادوات يك نقشه خوب و روشنی پیدا بکند این را ما همیشه کم داشته ایم. اگر عرض نمیکنم نداشته ایم برای این است که نمیخواهم اغراق گفته باشم. برای این است که از چند سال باین طرف ترقیاتی زیادی پیدا کرده ایم و یواش یواش هم داریم پیدا میکنیم. مثلاً اگر وزارتخانه برای رسیدن بهمین مقصود در نظر گرفته است که در اداره مرکزی يك مؤسسه خاصی بعنوان جامعه ملل تشکیل بدهد و این مؤسسه که کارهای جامعه ملل را اداره میکند از اداره تشریفات وزارت خارجه که يك کارهای دیگری دارد مجزا بکند این برای چه بوده؟ میخواهم به بیم این مبتنی بر يك منطق و حقیقتی هست که قابل قبول باشد یا نه؟ بنده از روی اطه ع عرض میکنم که امروز قضیه جامعه ملل در دنیا تقریباً مراکز است نه تنها سیاست خارجی بلکه تمام سیاست های اقتصادی و بین المللی در دنیا يك وضعی پیدا کرده که در جامعه ملل. و در دلانشاء و دوائر



جامعه ملل تمرکز پیدا کرده. اگر مراجع بفرمائید به لوائح و کتابچه ها و کتبی که همه ماهه از اداره جامعه ملل برای اطلاع و بصیرت افراد و اعضاء جامعه ملل چاپ میشود تصدیق خواهید فرمود که اینها از قدرت پنجگانه وده نفر و پانزده نفر هم که همان خواندن و مطالعه کردن و استفاده کردنش باشد خارج است. و اگر دقت بفرمائید خواهید دید که در این کتابچه ها و در این لوائح يك چیزهای مفیدی از نقطه نظر اطلاعات برای اشخاصیکه میخواهند کار بکنند و در جریان باشد موجود است که مافوق ندارد. پس بنده تصور میکنم وقتی که وزارت خارجه برای اداره کردن این قست یعنی سر و کار ابران با جامعه ملل اشتباه نشود کارهای شخصی دولت ایران با جامعه ملل محتاج به اداره خاصی نبود و همانطور که سابقاً در جزو يك اداره دیگری اداره میشد ممکن بود ولی در عمل دیده شد که ما باندانشین يك وسائل از این اخبار و از این قسمت اقتصادی و معنوی که از برای کارهای ما مفید بوده محروم مانده ایم...

آقا سید یعقوب - فایده اش چه بوده؟ کار اساسیش چه بوده؟

وزیر مالیه - حالا این جا داخل در آن مبحث نمیشوم که جامعه ملل کار مفیدی دارد یا نه ولی این را عرض میکنم بایشان و نمنا میکنم بکفدري توجه بفرمایند. میدانند که بنده نهایت ارادت را بایشان دارم و میل دارم عریاضی که میکنیم برطبق حقیقت و منطق یا بپذیرند یا رد بکنند. اما حقیقت درس حکمفرما باشد. اسمش را جامعه ملل نگذارید. فرض کنید يك اداره در يك جائی و در يك نقطه از دنیا پیدا شده بود که این اداره بر خودش حتم کرده بود سیاست بین المللی و اقتصادیات و تجارت و کلیه امور دنیا را تمرکز بدهد و جمع کند و برای اطلاع افراد اعضاء بفرستند و تقسیم کند. آیا اگر يك همچو چیز

مفیدی پیدا میشد يك کسی يك وزارت خارجه که میخواهد در جریان امور باشد مکلف نبود برای خواندن اینها و برای ترجمه کردن اینها و اطلاع دادن بوزارت خانهای دیگر يك مؤسسه را تاسیس بکنند و اینها را ترجمه کنند و خبر بدهد؟ اجازه بدهید يك چیز عملی عرض کنم: در موقعیکه تجار ابرانی ما به فیلادلفی مال التجاره میفرستادند در آنجا بيك اشکالی دچار شدند در امریکا آمدند و گفتند مطابق تعرفه گمرکی ۱۹۲۲ که تعرفه جدید گمرکی ما است هر مال التجاره که روی هر قسمتی از آن کنده و نوشته نشده است که این از چه مملکتی می آید باید علاوه بر حق گمرک معمولی صددهم اضافه بدهد. تمام مال التجاره که از ایران برده بودند.

قالی که دیگر غیر از مال ایران نبود - قلمدان یا نقره کار اصفهان اینها که مال جای دیگر نبود و از جای دیگر هم نیامده بود مال ایران بود ولی چون رویش کنده نشده بود که در ایران ساخته شده است میگفتند باید صددهم اضافه بدهید.

آقای تقی زاده که در ان موقع تشریف داشتند اقدام کردند. سفارت ایران نوشتند که يك چنین چیزی واقع شده است و خساراتی تولید میکند شما اقدام و عمل کنید برای اینکه این مسئله رفع بشود. سفارت مادر انجا مراجعه و اقدام کرد. گفتند راست است ولی ما يك قانونی گذارانیم که تعرفه گمرکی است و استثناء بردار نیست و متاسفیم که شما چرا اطلاع از این قضیه ندارید. بالاخره با يك زحمات زیادی يك قسمت از این اشیاء را باسم اینکه مال خود دولت بود و شاید همین طور هم بود توانستند آقایان را از این صددهم معاف بکنند و شاید يك قسمت دیگری هم محکوم شد که علاوه بر گمرک معمولی صددهم را هم بدهد. این را بنده برای چه مثل زدم؟ برای این بود که اگر يك مرا گری بود که مطلع میکردند و تجار ممالکت ما توانسته بودند از آنجا استطلاع و استخبار کنند و توانسته بودند تبلیغ کنند و يك مرا گری

بود که آنها را انتشار و اشاعه بدهد برای اینکه فلاں ناچر اصفهانی که در اصفهان نشسته مسبوق شود يك همچو ضرری به تجار وارد نمیشود. حالا اگر يك همچو ضرری وارد بشود باید حساب کرد که چقدر است؟ این قسمتی بود که بطور مثل كوچك و جزئی خواستم عرض کنم برای اینکه نائید كنم عرض خودم را که يك دولت و وزارتخانهائی که میخواهند در جریان امور دنیا باشند باید سعی باشند هر موضوعی در هر کجا پیش می آید بهر وسیله که هست استطلاع نمایند. تمام مسائلی که چاپ میشود راجع به اقتصادیات راجع به تعرفه های گمرکی. راجع بقوانین داخلی ممالک دیگر. راجع به رائی که در مجالس نسبت بمواد میدهند این هارا تمام اطلاع پیدا کنند. انتشار بدهند. تبلیغ کنند که هم اشخاص استفاده کنند و هم اگر چیز خوبی است و بدرد تجارت و اقتصادیات میخورد از آن استفاده کنند حالا این دائره که در وزارت خارجه هست و مورد تنقید آقا بود يك چنین دائره است که برای این قبیل کارها تاسیس شده. این اگر با دو هزار تومان یا سه هزار تومان...

عصر انقلاب - شش هزار تومان

وزیر مالیه - با شش هزار تومان این را نمیشود گفت يك خرج گراف و بیهوده است و بنده مخصوصاً میل ندارم گفته شود که از نقطه نظر پیدا کردن پست است. برای اینکه از این نقطه نظر نبوده است يك نکته را آقای آقا سید یعقوب اشاره فرمودند که این را توضیح میدهم بعد مرخص میشوم: فرمودند ما کار گذاری و محاکمات را لغو کردیم و حال آنکه صد و هشتاد یا صد و شصت هزار تومان در چهار ماه آخر سال اضافه میدهم... آقا سید یعقوب - در سال

وزیر مالیه - این بودجه راجع به اضافه مخارج بودجه ۱۳۰۵ است ما کار گذاری و محاکمات را از تیر ماه ۱۳۰۶ و از اردیبهشت سیصد و هفتاد لغو

کردیم این را هنوز ما موقع پیدا نکردیم که حساب کنیم و به بینیم از الغای او چقدر کسر میشود تا آقا بتوانند این جا بگویند این را که لغو کرده ایم چیزی کسر نشده است. البته با حساب آنچه راجع به کار گذاری بوده است که در تیرماه حذف خواهد شد آن مبلغ از این بودجه که نقل خواهد شد به بودجه ۱۳۰۶ قطعاً کسر خواهد شد. حالا اگر در يك جای دیگر اضافه بشود باز میگردیم بهمان اصل اولیه و احتیاجات مملکتی و همان چیزهایی که خود آقا تصدیق کردند. رو بهمرفته و بطور خلاصه تصور میکنم بد بختی که در این بودجه ها پیدا شده و آقای فیروز آبادی را هم خیلی متأثر کرده است این لفظ «اضافه» است. این اصطلاح لوائح اضافی يك بد بختی است برای این بودجه ها و الا اگر آقایان درست دقت و ملاحظه بفرمایند بودجه اداری بودجه ۱۳۰۴ است و بودجه سیصد و پنجم بصورت جزء در مجلس مصوب نداشت. برای سرعت کار گفته شد که دوازدهم را در سیصد و پنجم تکمیل کرده و ادامه میدهم و آنوقت اگر يك احتیاجات و مؤسساتی راجع به سیصد و پنجم داشتند که در سیصد و پنجم اضافه کرده اند این هارا باسم لوائح اضافی میاوریم و تصویب میکنیم. در حقیقت اگر درست ملاحظه بفرمائید این لوائح اضافی اضافه حقوق و خرج نیست. اضافه خرج هست ولی از نقطه نظر تاسیس بعضی مؤسسات و این قوائم مقام بودجه سیصد و پنجم است. از اینکه بگذرید تمام بودجه سیصد و پنجم مثل بودجه سیصد و چهار است و بنده می خواهم استدعا کنم که آقایان موافقت بفرمایند اینها را تصویب بفرمایند برای اینکه زودتر بودجه سیصد و شش تقدیم شود و در بودجه ۱۳۰۶ این جا قلم بقلم اگر يك مؤسسه را آقایان می بینند زیادی است آن را بفرمایند.

آقا سید یعقوب - امروز تنفس نیست؟

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

( بعضی دیگر میگفتند کافی نیست )

رئیس -- رأی میگیریم آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

( عده قلیلی قیام نمودند )

رئیس -- تصویب نشد. آقای احتشام زاده

احتشامزاده - مخالفت بنده با این لایحه نه از نقطه نظر ناسیسات جدیده با اضافاتی است که برای سفارتخانهها منظور شده بلکه معتقدم در اغلب ممالک و نقاط مهمه دولت ایران بایستی نمایندگان سیاسی و قنصلی داشته باشد که بتوانند بیک وظایفی را که برعهده آنها است انجام دهند. ولی مخالفت بنده از این نقطه نظر است که بیک نواقصی در کار مأمورین دولت ایران در خارجه هست که چون موقع دیگری مجال ذکر آن نبود و حالا که موقع تصویب این بودجه است استفاده و عرض میکنم : مأمورین دولت ایران در خارجه دو وظیفه مهم دارند یکی از نقطه نظر مملکت و یکی از نقطه نظر اتباع ایران. از نقطه نظر مملکت باید حافظ منافع سیاسی و اقتصادی مملکت باشند و هر وقت بیک خسارنها و مخاطره هائی ممکن است از نقطه نظر سیاست یا اقتصاد برای مملکت پیش بیاید یا وسائل موجوده که دارند اقدام و رفع بکنند و دولت را مطلع نمایند و کاملاً از هر گونه ضرری که ممکن است برای مملکت پیش بیاید جلوگیری شود. یکی دیگر از وظایف مهمه که دارند این است که مأمورین دولت ایران در خارج باید مراقب اتباع ایران باشند و مراقب باشند هرگونه اطلاعی را جمع آوری کرده و بوزارت خارجه اطلاع دهند. یکی دیگر از وظایف مأمورین سیاسی و قنصلی در خارج این است که مبلغ اوضاع اقتصادیات ایران باشند. امروز شاید هنوز در اغلب ممالک اطلاع از اوضاع اقتصادی ایران ندارند و نمیدانند که در ایران چه منابع مهمه هست که میتوانند بیابند هم خودشان استفاده هائی از منابع طبیعی ایران بکنند

و هم به مملکت ما منافع بدهند و فوایدی برسانند. اینها وظایف وزارت خارجه و دولت است که در خارجه باید انجام بدهند. یکی دیگر هم حفظ حقوق و منافع و ضمانت اتباع ایران هست که مأمورین وزارت خارجه بایستی در ممالک خارجه خیلی مراقب باشند که از حقوق اتباع ایران دفاع و ضمانت کنند و آنها را از هرگونه زحمت و تجاوز و تعدی نجات بدهند. اما در قسمت های اولیه یعنی از نقطه نظر حفظ حیثیات دولت و جمع آوری اطلاعات متأسفانه طوری نیست که ما بتوانیم از مأمورین وزارت خارجه راضی باشیم. اغلب مامی بینیم که مأمورین وزارت خارجه طوری رفتار میکنند که عملیاتشان برخلاف حیثیت مملکت است و حیثیت مملکت و دولت را ضایع میکنند و از بین میرود و در قسمت اتباع ایرانی هم متأسفانه کمتر توجه دارند باین که حقوق اتباع ایرانی را حفظ کنند و بلکه بنده میخواهم عرض کنم که مأمورین سیاسی وزارت خارجه بجای اینکه حافظ حقوق آنها در خارجه باشند بیشتر مزاحم اتباع ایران میشوند. ملاحظه بفرمائید که اتباع ایران در بین النهرین چه وضعیتی دارند. گرفتارند هستند گرفتار فشار و تضییقات هستند و بالاخره هر نوع تعدی و تجاوزی نسبت بآنها میشود و بنده نمیدانم مأمورین دولت ایران چه میکنند؟! تماشای هستند؟! و بالاخره همانطور که عرض کردم در بعضی از نقاط شاید خود مأمورین دولت ایران اسباب زحمت اتباع ایران را فراهم میکنند. باین ملاحظه از نقطه نظر حفظ حقوق اتباع ایران در اینموقع از مخالفت استفاده کردم و این نواقص که در وزارت خارجه هست بطور اختصار عرض کردم که دولت باید در صدد باشد این نواقص را رفع کند و الا بنده موافقم که باید سفارتخانههای ما در خارجه خیلی با اهت و عظمت باشد و مأمورین ما دارای آبروی زیادی باشند که بتوانند آبروی مملکت را حفظ کنند. نبر - معایب و نواقصی را که نماینده محترم راجع به وزارت خارجه ذکر فرمودند تقریباً

قابل انکار نیست. برای اینکه اغلب وزارتخانههای ما بیک نواقص و معایبی دارند که کاملاً احتیاج به اصلاح دارند و یکی از مهمترین وزارتخانههای ما که حتماً باید بیک نظر اصلاحی نسبت باو داشت و بعقیده شخص بنده باید آنجا را هم مثل عدلیه منحل کرد و بیک وزارتخانه آبرومندی ناسیس کرد وزارت خارجه است. وزارت خارجه تمام مؤسسات مرکزی ( بوروکراسی ) میز بازی بیشتر نیست و ما بیک استفاده های سیاسی از او نمیکم همینطور از شعبش در خارجه ما نتوانسته ایم نه استفاده های سیاسی بکنیم و نه اقتصادی. ولی در عین حال هم بزرگترین نقص وزارت خارجه کمی بودجه بوده است. وزارت خارجه ایران که باید در تمام دنیا همانطوری که فرمودند شعبه داشته باشد و اشخاص لایق و وزین از طرف او مأمور شوند و بروند و بیک کارهائی بکنند این بودجه اش است! و با این بودجه ناقص بعقیده بنده اصلاح نخواهد شد. وزارت خارجه را باید قبلاً در درجه اول بیک بودجه کافی برای اودر نظر گرفت و در درجه دوم هم بیک اشخاص کافی ولایق و بنده تصدیق میکنیم که با این ( المانهائی ) که در آنجا هستند آن نتایجی را که شما انتظار دارید نمیتوان گرفت مسئله بین النهرین بیک مسئله بقرنج مهم اساسی است برای این مملکت. هنوز تکلیفی برای ما با بین النهرین معین نشده است! کاسه گرم ز از آتش شده ایم نماینده هم رسماً آنجا نداریم. فقط در اینجا بیک قنصلی برای بصره پیش بینی کرده ایم. این بیک قضیه ایست که باید دولت و مخصوصاً وزارت خارجه ما نسبت بآن بیک نظر اصلاحی داشته باشد. اگر همکاری های ما که در کمیسیون بودجه تشریف داشتند نظرشان باشد بنده در همین موضوع در کمیسیون بودجه به آقای وزیر خارجه حمله کردم و گفتم شما باید بالاخره بیک روزی تکلیف این مملکت را با بین النهرین معلوم کنید. همینطور امروز و فردا کردن و اتباع ما در آنجا گرفتار و تحت

مضیقه باشند که نمیشود بنده در یکی از جرائد خواندم از انومبیل که در آنجا بیرون حق الکفاله میگیرند! و در هر صورت اینها بیک مسائلی است که باید اصلاح شود و برای اصلاح همین قضیه راجع به بین النهرین بعقیده بنده بیک وزیر مختار کافی که لایقترین وزیر مختار ها و مأمورین باشد در آنجا باشد و مهمترین مؤسسات خارجی هم باید در بین النهرین باشد بودجه کافی هم لازم داریم این اضافات را هم بطوری که بعضی از آقایان مخالفین فرمودند راجع به اضافه مرکز است هیچ اینطور نیست بلکه راجع به مخارج خارج است اگر ملاحظه بفرمائید راجع به آمریکا و پاریس و برلن و بین النهرین و کابل و هرات و ارض روم و جاهائی است که اتباع زیاد داریم و در آنجا ها بیک مختصر اضافه حقوق بیک اعتباری داده ایم بنده معتقدم در بودجه ۱۳۰۶ ( بر خلاف عقیده آقای فیروز آبادی ) ما باید اگر جا داشته باشیم دو میلیون بودجه برای وزارت خارجه در نظر بگیریم که بیک مأمورین خیلی عالی داشته باشیم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

( بعضی میگفتند کافی نیست )

رئیس -- چون عده کافی نیست نمیشود رأی گرفت

چند دقیقه تنفس داده میشود.

( دو این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیمساعت مجدداً تشکیل گردید )

رئیس -- آقای مدرس

مدرس - عرض میشود در این چند سال که در مجلس بودیم آرزو داشتیم که بیک وقتی بیک بودجه بیاورند این جا بیک چیزی از بودجه ما قبلاً کم باشد امروز هم که آمده اند بیک چیزی را کم کرده اند بیک جوری کم کرده اند که معلوم نیست.

کارگزارها منحل است اما پولش چه جور میشود؟ ساکت است. چون این بودجه است و مناسب بودجه

این است که کم و زیاد پول و خرج را بنویسند. چیز دیگری که ربطی باین مسئله ندارد و مناسبتش را نفهمیدم و بالاخره گمان من اینست که در این بودجه ها هر بودجه را که میخواهند بنویسند آن بودجه سال پیش میکنند جلوی خودشان و هر چه در آن هست عیناً می نویسند. خاطر می آید (تویا در دوره چهارم بود) يك بودجه دیدم که در تمام سال پنج نوشته بود و در تمام سال هم ذغال بخاری. این همین که دیده بود توی بودجه است این روزی يك تومان سالی سیصد و شصت تومان را نوشته بود. مثلاً ما در تمام این بودجه ها مخارج روشنائی داریم. بنده هر چه تحقیق میکنم که يك وزارتخانه شب مشغول کار باشد چیزی دستم نیامده. با اینکه شب چراغ داشته باشد. اما يك بودجه نیست که مخارج روشنائی درش نیاشد! به منشی میگویند يك نسخه از بودجه سنة فلان بنویس. او هم باز بطوریکه بدا به بند هر سال مخارج روشنائی در بودجه بوده است در بودجه سال بعد مینویسند و دیگر ملتفت اینکے حالا وزارتخانهها شب نیستند که کار کنند نمیشوند. خیلی دوست داشتم يك کسی یا آقای مخبر یا شخص دیگری که اطلاع دارد معرفی کند در آن وزارتخانه که شب چراغ میسوزد کجا است؟ حالا برویم وارد اصل موضوع شویم زیرا در این جزئیات مقتضی نیست و الا کله بکله عرض میکردم. مسئله سر وزارت خارجه است. حقیقه و فی نفس الامر مملکت مستقل بودنش به دو چیز است یکی وزارت خارجه و یکی هم اینکه مملکت بهمه جا در داشته باشد. بعقیده من مملکتی که در بهمه جا دارد و وزارت خارجه اش محکم است در دنیا استقلال دارد و این معنی استقلال است. حالا (در بهمه جا داشته باشد) معنی این رابك وقتی مناسبت میگویم که باید ملتفت شد که هر کس بخواید از استقلال دولتی بکاهد از درهاش میکاهد. وزارت خارجه را باید از دست داد. باید سفارتخانهها و قنصل خانهارا در دنیاعظمت

داد و هر مأمور فوق العاده خوب و عالی داشت به خارج فرستاد. مجلس شورای ملی باید قانون وزارت خارجه را مقدم بر تمام وزارتخانهها بنویسد. بنده چه رفته ام و چه شنیده ام يك مأمور وزارت خارجه را دیدم و قتیکه از این جا میخواهد برود از او پرسیدم که آنجا بروی می خواهی چکار کنی؟ بنده پرسیدم و دیدم که يك مأمور وزارت خارجه نیست که از این دروازه که بیرون می رود چیزی دستش باشد که برود به آن چیز عمل کند. ولی هر مأموریکه از خارجه ها می آید توی این شهر من که بکنفر وکیل و آخوند و با هیچکس مربوط نیستم مرا می شناسد! نارنجم را میداند! سچل احوالم را میداند! خورا کم را حتی زمانی که کوهستان بوده ام و شلغم میخورده ام میداند! اما مأمور ما. من رفته ام. اما دیده ام. آقای آقاسید یعقوب هم فرمودند هر کدامش را میدیدیم با آنها داخل مذاکره میشدیم که چه میکنید؟ می گفتند حفظ تبعه ایران. هر کجا هم میرفتیم می دیدیم تبعه ایران می آیند شکایت میکنند از دست مأمور ایران. راست است اگر چه خوب نمیدانم که مأمورین خارجه بد باشد اما مأمورین خارجه مان بد است ولی از باب اتفاق خوب شده است که مأمورین خارجه مان بد است و الا تمام اهل مملکت میرفتند بیرون. این راهم غفلت نکنید که بمقتضای روز این بدی خوب شده. چرا؟ بجهت اینکه تحقیق کردیم قریب بیست هزار نفر از کردستان ایران در خارجه بودند می گفتیم چرا آمدید می گفتند از دست ظلم. در ایران زن میگیرفتیم بیست تومان از ما می گرفتند. پدرمان میمرد يك چیزی ازمان میخواستند. حالا وارد در آن مسئله نمیشویم چون یکی از آقایان (آقای تقی زاده) بودند فرمودند در بودجه جا دارد که خیلی مطالب مملکتی صحبت شود لذا بنده عرض میکنم چون این مسئله جای دیگر نداشت از این جهت خواستم امروز عرض کنم. بکدفعه من آرزو داشتم که يك بودجه وزارت خارجه بیاید بگوید صد

هزار تومان بمن بدهید میخواهیم يك سفارتخانه در لندن درست کنیم. با يك سفارتخانه در فلان جا بنا کنیم عظمت سفارتخانه ما به این نیست که صد دینار بحقوق منشی آن اضافه کنیم و مأمورین ما بروند در کاروانسرا و توی هتل منزل کنند و هر که وارد میشود عوض اینکه پذیرائی کنند يك توقعی از او بکنند. اینها را دیده ام. و عرض میکنم چرا ما باید وزیر مختار نداشته باشیم در تمام ممالک آسیائی؟! در ژاپن داشته باشیم. در چین داشته باشیم. اما بدبختانه ماهنوز حلاوت استقلال و حلاوت سطوت و سلطنت را نجشیدیم. همین را فهمیده ایم که صد دینار زیاد با صد دینار کم کنیم بنده موافقم که وزارت خارجه را باید توسعه داد. اهمیت و عظمت داد. اما مأمور خارجه، کدام امر از امور مملکتی ما در ممالک خارجه بین مأمور ما و دولت خارجه فیصل می یابد؟! ...

بعضی از نمایندگان - هیچ

مدرس - کدام؟ پس وزیر مختار غلط است پس سفیر غلط است. اگر ما آن سفیری که از اینجا میفرستیم دستور این باشد که اگر آن دولت بخواید با ما صحبت کند یا نمایندگی ما داخل مذاکره بشود؟ بنده میگویم سالی صد هزار تومان هم خرج آن سفیر بکنیم ارزش دارد. اما یکی برود آنجا عیدهای مرسومه کلاه ابرائی سرش بگذارد آنجا بنشیند این چه فایده برای ما دارد! اما آنها راجع بيك مسئله دو غازی که میخواهند صحبت کنند اینجا باید مأمور آنها با وزارت خارجه و دولت ما داخل مذاکره بشود. پس همانطوریکه آقای شبروانی مخبر فرمودند باید وزارت خارجه را عظمت داد. و روح داد. شما عظمتش را در این میدانید که بودجه اش را زیاد کنید. اما بودجه بجهت اجرای کار است بجهت اجرای قانون است. چرا باید وزارت خارجه که حقیقه استقلال نامه دولت و ملت بسته بوزارت خارجه است بيك قانون صحیح از مجلس گذشته نداشته باشد؟ پول

را باید خرج قانون کرد. آنوقت کی مضایقه دارد؟ آقا این پولی را که از مردم می گیرند برای مخارج مملکت است لکن اسم و رسم خالی فایده ندارد. بجز اسلامبول و برلن و شاید يك جای دیگر سفارتخانه های ما عبارت ندارد. . . . بعضی از نمایندگان - اغلب دارد.

مدرس - دوسه جارا بنده شنیده ام لکن جاهای دیگر را شنیده ام بی وزارت خارجه باید عظمت داشته باشد. اما روح هم باید داشته باشد از این مسئله بگذریم. بيك عبارتی اینجا دار نوشته است: شش هزار تومان اضافه اعتبار برای تهیه دولت در جامعه ملل. . . .

بعضی از نمایندگان - چهار هزار تومان.

مدرس - بی چهار هزار تومان. مضاف هست مضاف الیه نیست. . .

شبروانی - سهمیه است.

مدرس - کتاب ما تهیه دارد و مضاف الیه در او نیست. البته بودجه جامعه بین الملل خیلی است. این اضافه است که علاوه کرده اند؟ . . .

وزیر مالیه - همین است.

مدرس - هیچ خرجی دیگر جز این چهار هزار تومان ندارد؟ . . .

وزیر مالیه - سهمیه است.

مدرس - سهمیه را من نمیگویم بودجه مأمور ما در جامعه ملل تمامش همین است؟ . . .

وزیر مالیه - خیر.

بکنفر از نمایندگان - بیست و چهار هزار تومان

مدرس - خوب ما حساب که کرده ایم نالوازماتش میشود سالی تقریباً بیست سی هزار تومان: اینهم یکی از مسائل مهم است حل اینهم بعقیده من مشکل است هر کس عقیده خودش را می گوید، در دوره چهارم بود ظاهراً بنده موافق نبودم اما ناخوش شدم و این جا نبودم که مخالفت کنم و آقایان هم تصویب کردند. در هر صورت

ما در قبول عضویت پیشقدم شدیم و در درجه اول بودیم از خیلی از دول دیگر ما پیشتر اقدام کردیم جزای ما این شد که هنوز کرسی دائمی به ما نداده اند، بنده با این عضویت مخالفم، وقتی که دولت ایران پیشقدم شد و از خیلی دول دیگر که کرسی دائمی به آنها دادند اعتباراتش زیاد تر است در نجابت زیاد تر است، در همه چیز زیاد تر است ولی حالا بواسطه اینکه ما مردمان نجیب معقول ساکت هستیم باید کرسی دائمی به ما ندهند؟! بخواهید کسانی را که کرسی دائمی داده اند بسنجید یا ما که نداده اند...

غلامحسین میرزا مسعود - فایده اش چیست؟

مدرس - فایده اش چیست؟! پس اصلش فایده ندارد، وقتی فایده دارد که ما را آنطور که هستیم بشناسند، وقتی فایده دارد که ما در آنجا عضو دائمی باشیم. شما وقتی در يك مجلس در بالای مجلس راهتان ندهند چرا وارد می شوید؟ میگوئید من شاهزاده هستم باید بالای مجلس بنشینم ما در دنیا، مملکت ایران، ملت ایران، دولت ایران، بادنیا، با دول دنیا با ملل دنیا چه وقت نظر مخصوصه داشته است؟ ما با تمام دول نظر دوستی داشته و داریم آنوقت در عضویت مقدم هم شده ایم جزای ما این است که به دولی که خیلی از ما پست تر هستند کرسی دائمی بدهند و به ما ندهند...

شیروانی - به چین داده اند و به ما نداده اند.

مدرس - علیهذا بنده عرض میکنم جائی رو که قدر ترا بدانند. گر چه من يك حسن ظن خوبی نسبت به خودمان به جامعه ملل ندارم. لکن خودم تنها نمیتوانم استقامت کنم به اینکه حالا عضویت را بهم بزنیم اما میگویم که من میپریم و شما میباید همینقدر میگویم حسن ظن خوبی به جامعه ملل برای خودمان ندارم اما چه وقت نتیجه برای ما به بخشد بعد معلوم خواهد شد. این حدس است حدس آخوندی است. يك مسئله آقای شیروانی فرمودند بنده عقیده ام این است

میروید چه کنید؟ دستور شما چیست؟ اینرا باید تصدیق کنیم که ما مورین دولتی علی الخصوص مأمور دیپلماتی و وزارت خارجه وظیفه اش چیست؟ وظیفه اش معلوم است این است که به هر جائی که میرود منافع مملکت خودش را در آنجا از نقطه نظر اتباعی که آنجا هستند یا از نقطه نظر سیاسی که در آنجا بین دولت خارجی با دولت خودش در جریان است آرا حفظ کند. حالا اگر آقای مدرس تلفی کردند که يك مأموری یا بواسطه تقصیر خودش با قصور وزیری که او را اعزام داشته دستور العمل به جزء به او نداده است که به آف نشان بدهد و آن دستور العمل را به آقا ارائه نداده باید بگوئیم در خارج مأمور نداشته باشیم؟ خیر. باید بگوئیم مأمور داشته باشیم و وزارت خارجه به آنها به این ترتیب و رویه که آقای مدرس میفرمایند دستور العمل بدهد. بنده تصدیق دارم و قابل انکار نیست اما به بینیم که این مطلب دلیل بر این میشود که این بودجه اضافی وزارت خارجه را باید رد کرد؟ ..

بکنفر از نمایندگان - بلی. ..

وزیر مالیه - بنده که عاقل قاصر است بلکه بنده بر عکس تصدیق میکنم که ایشان میفرمایند این بودجه کم است و باید زیاد کرد و میگویند يك میلیون دو میلیون بودجه میخواهیم برای اینکه تمام سفارتخانه های ماجاهای عالی داشته باشد، رای اینکه سفرای ما که میروند يك اشخاص عالمقامی باشند و با آنها هم حقوق مکفی بدهیم که بتوانند مثل وزیر مختار های ممالک دیگر یا اقلاً مثل شارژدارهای دول دیگر با نچمل زندگی کنند، با نچمل از مردم پذیرائی کنند، این خیلی خوب است بنده هم موافقم اما اجازه بفرمائید که عرض کنم این مستلزم يك دارائی و يك عایدات مملکتی است که ان را ما متاسفانه هنوز نداریم، اینها يك چیزهایی است که باید برور درست شود. اشاره فرمودند به خانه، در موقع جنک استفاده از ارزانی مارك کردند و يك خانه برای سفارت آلمان

خریدند ولی آیا تصور میفرمائید که اگر ما بخواهیم امروز در واشنگتن برای سفارت ایران يك خانه مجلل خوبی تهیه کنیم چقدر باید پول بدهیم؟

مدرس - دوست هزار تومان.

وزیر مالیه - عذر می خواهم. خوبست مراجعه بفرمائید، تحقیق بفرمائید بنده نمی خواهم يك رقمی را بدون تحقیق عرض کنم زیرا می خواهم با تحقیق عرض کرده باشم ولی همینقدر بطور قطع میتوانم عرض کنم که اینطور نیست، و دو برابر و سه برابر و چهار برابر هم شاید کم باشد ولی باید به تمام این مقامات رسید اما باید برای اینها تهیه اسانس و پایه کرد، چرا تنقید می شود؟ البته این بودجه وزارت خارجه است و همانطوریکه فرمودند وقتی که بودجه در مجلس شورای ملی در تحت مذاکره است تمام مسائل مملکتی را می شود بحث کرد چرا تنقید می شود از مأمورین خارجه و چرا گفته میشود که مأمورین خارجه کافی نیستند و خوب نیستند؟ شاید در بعضی مواقع این مسئله وارد باشد و در بعضی مواقع وارد نباشد چون ما مأمورین خوب هم داریم و مأمورین لایق که وظیفه خودشان را نسبت به سیاست مملکت انجام بدهند داریم. اما درست فکر بفرمائید به بینید اگر مرکز شما و دولت بخواهد اشخاصی را که خودتان تشخیص میدهید که این اشخاص برای این مأموریت ها و انجام آن مقاصدی که شما دارید خوب هستند روانه کنند آیا ممکن است اینها را با این بودجه هائی که داریم روانه کنند؟ میگویند باید بودجه را زیاد کرد. بنده هم موافقم لکن شما به بینید از وزارت مالیه تحقیق کنید، (بنده این جا سمت وزیر مالیه دارم وزیر خارجه نیستم) ولی میدانم که وزیر خارجه هر چه سعی میکند که اضافه از آن اعتباری که ما برای ۳۰۶ توانسته ایم سهم او قرار دهیم بیست هزار با نازده هزار تومانی که همه هم تصدیق میکنیم لازم است. باو بدهیم بواسطه ندانستن محل نمیتوانیم بدهیم. پس باید کار کرد و منبع عایدی درست کرد

نارسید بآن بودجه هائی که آقا میخواهند ولی فعلاً تا به آنجا رسیدیم باید از همین قسمت هائی که هست استفاده کرد سعی کرد و يك اصلاحاتی در همین حدود کرد که باید بکنیم و نباید از آنها صرف نظر کرد مثلاً اشاره فرمودید باینکه هیچوقت امور در آنجا ها خاتمه نمی یابد و در اینجا خاتمه پیدا میکند: اولاً این يك رويه و قاعده کلی نیست. مخصوصاً این اواخر ملاحظه فرمائید نه تنها مامورین عادی ما این کار را نمیکنند بلکه در بعضی مواقع و در اغلب نقاط وقتی يك مسائل مهمه است مامورین فوق العاده به محل میفرستیم ولی این قاعده کلی نیست و اگر قاعده کلی بود دیگر ابدأ مستحسن نبود و باید روی این اصل برویم که در دو مرکز باید کار کرده در يك مرکز ... مدرس - آنها خبر ندارند.

وزیر مالیه - خبر دارند. بنده این مسئله را نمیتوانم تصدیق کنم، ولی اینرا عرض می کنم که اگر این مطلب اینطور می بود مربوط میشد به همان صنف اشخاصیکه میفرستادند. چون هر کسی را نمیشود گفت بیاید این کار را بکنند. پس اینها باید برور درست شود، بودجه درست بشود، عواید زیاد شود، مامورین مهم هم اعزام شود وسائل کامل هم برای آنها فراهم شود و کار از آنها بیشتر خواسته شود. بعلاوه آقا باید به خاطر آن باشد که این بودجه که درش مذاکره میشود مال ۱۳۰۵ است، بودجه ۱۳۰۶ وزارت خارجه این جا میآید و در آن موقع بنده حاضر و تقاضا میکنم که با حضور تمام هیئت دولت (اکثر آقا لازم بدانند و صلاح بدانند) همین عقیده را که راجع به جامعه ملل اظهار فرمودند مطرح فرمایند. مسئله جامعه ملل و ایران یکی از قضایای مهمی است که باید با شرکت همه و توافق نظر همه و با روشن بودن فکر مجلس و اکثریت مجلس که باید در کارها مؤثر باشد و حکومت داشته باشد مطرح شود. بنده معتقد نیستم که دولت عضویت جامعه

ملل را عقیده داشته باشد و مجلس معتقد نباشد، همچو چیزی نمیشود، بنده میگویم اگر در این باب اختلاف نظری باشد باید این جا حل شود، بنده از معتقدین به این اصل همیشه بوده ام و دفاع هم کرده ام. در مجلس چهارم هم بنده مخبر و مدافع این کار بوده ام آقا هم يك قسمتش را تشریف داشتند و يك قسمتش را تشریف نداشتند و خوب بود که ما مقدم هم شدیم ...

آقا سید یعقوب - نتیجه اش چیست؟ وزیر مالیه - نتیجه هم گرفتیم. عرض کردم برای بخش مفصل و طولانی در موقع بودجه ۱۳۰۶ وزارت خارجه که در این جا مطرح میشود در این موضوع که مورد حذف است یا نیست و اینکه میخواهیم یا نمیخواهیم باید بحث کرد و باید داخل بشویم و به بینیم که حقیقه ضرر دارد یا نفع و حکمیت و قضاوت را هم به مجلس واگذار میکنیم. بنده هم شریک و معتقدم که يك قصور هائی از طرف آنها نسبت به ما شده است. حالا منتها بنده يك وظیفه دارم و باید يك طور حرف بزنم و آقا طور دیگر میتوانند حرف بزنند ولی عبارات و اظهارات مختلف باشد منظور همه ما همیشه استفاده زیادتر برای عظمت و ابهت مملکت است و از هر راهی که باشد باید به این مقصود برسیم، و بنده یا هیئت دولت همیشه موافقم با آن راهی که شما در نظر دارید و آن مقاصدی را که شما میخواهید از این راه تحصیل کنید. ولی اینها آنرا که عرض کردم و هیچکدام از فرمایشات آقا که تمام مورد تصدیق و قبول است هیچکدام دلیلی برای مخالفت با این بودجه بدیجت بیچاره ۱۳۰۵ نیست و در این موقع بنده میخواهم يك تذکری نسبت به فرمایشات آقای مدرس و برای آقایانی هم که بعد میخواهند صحبت کنند بدهم. بنده مخصوصاً این صورت را اینجا یاد داشت کردم که قلم به قلم عرض بکنم و حاضر اگر آقایان بخواهند (چون شاید همه دارند لازم نباشد) قلم به قلم عرض کنم که ملاحظه فرمایند. غیر از سه چهار

قلم اکثرش بلکه غیر از آن چند قلم تمامش مربوط به تکمیل لواقص نمایندگی هائی ما در خارجه است که همه آقایان هم تصدیق میکنند. پس بنا بر این بنده مخالفتی نمی بینیم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند که این لایحه از دستور خارج شود و لایحه راجع بچمن کال آباد مطرح شود. آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - بنده آقایان را توجه میدهم به يك مسئله. در این لایحه يك مسئله است که همه فوق العاده علاقه مندیم و آن مسئله الغاء کاپیتولاسیون است. یعنی قدیمی که کمیسیون بودجه برداشت و بحمد الله موافقت کرد بانوجهات اعلی حضرت و فوق العاده هم علاقه مندیم. اینرا آقایان در این لایحه پیش آورده اند که در این بین دولت متزلزل را ثابت کنند. بنده این را کاملاً موافقم. لکن آقای دکتر مصدق بعضی صحبت ها در خارج کردند بنده برای اینکه این لایحه برود بکمیسیون و آقای دکتر مصدق و دیگران هم بیایند آنجا و صحبت کنیم، برای حل این مسئله این پیشنهاد را کردم والا بنده هم مخالفتی ندارم گفتیم برود در کمیسیون مذاکره بشود دومرتبه بیاید بمجلس برای خاطر این بود که این پیشنهاد را عرض کردم و این بود نظر من.

وزیر مالیه - بنده اگر اجازه فرمایند میخواهم از آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایانیکه با نظر ایشان موافقت استدعا کنم که مخالفتی را که بایک لایحه دولت دارند بطور مستقیم فرمایند. هیچ مانعی ندارد. مخالفت مخالفت فرمایند و رد بکنند و آقایان موافقین هم موافقت فرمایند و از روی عقیده یا رضا رأی بدهند. ولی از راه غیر مستقیم از قبیل از دستزر خارج شدن! امروز بماند برای فردا! اینها شایسته مقام مجلس و مقام نمایندگی نیست. و اینرا باید به آقایان عرض کنم اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند که این جا مسئله کاپیتولاسیون

را متصل کرده اند. این موضوع هیچ ارتباط مستقیمی با بودجه اضافی وزارت خارجه ندارد. قضیه است در خارج حل شده ولی در این لایحه کمیسیون بودجه خواسته است يك تأییدی بکند و از این نقطه نظر هم يك کار خیلی صحیحی و محکمی است اما برای این نیست که این لایحه را خواسته اند به زور این مطلب بگذارند این لایحه چه عیب دارد؟ آنرا فرمائید، چرا اینقدر در حاشیه صحبت میکنید؟ در کلیات صحبت میکنید؟ بنده تا بحال اینطور ندیده ام. غیر از مؤسسه جامعه ملل که آقا فرمودند و بنده جواب عرض کردم قلم به قلم لایحه را ملاحظه فرمائید چه عیبی دارد که به آن جهت ما بخواهیم از این راهها لایحه را معوق بگذاریم؟

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

آقا سید یعقوب - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم ختم جلسه را پیشنهاد میکنم یاسائی - بنده مخالفم.

رئیس - با کفایت مذاکرات مخالفید؟

یاسائی - خیر با ختم جلسه مخالفم. با ماده واحده موافقم.

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد ختم جلسه شده است آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده استدعا میکنم از آقای یاسائی که نازه تشریف آورده اند و ما که از اول وقت اینجا

بوده ایم بنده هنوز نگفته ایشان مخالفت نفرمایند. مذاکرات که کافی شد. استدعا میکنم يك شبهه که در این موضوع شده ممکن است عصری در کمیسیون صحبت بشود این اشکال رفع بشود. و الا مذاکرات کردند. یا اینکه چیز دیگر را پیشنهاد کنید بگذارید این شبهه رفع شود و همه متفقاً رأی بدهیم از این جهت بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود عصر هم که کمیسیون بودجه تشکیل میشود آقایانی که نظری دارند میآیند آنجا نظرشان اصلاح میشود بعد روز پنجشنبه میآید به مجلس.

رئیس -- آقای زوار

زوار -- مطابق فرمایشات آقای نماینده محترم بر فرض هم که آقای مصدق تشریف ببرند در کمیسیون و يك نظر بان داشته باشند مانعی ندارد حقیقه با آن ترتیبی که فرمودند راجع بوزارت خارجه این لایحه راجع باستقلال مملکت است و آقایان خوبست توجه فرمایند اگر نسبت به وزراء آقایان کم لطفی دارند نسبت به مملکت که ندارند

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای آقا سیدبعقوب آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.  
(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. يك فقره پیشنهاد راجع به جلسات است باید رأی گرفته شود  
(بشرح ذیل قرائت شد)

امضا کنندگان ذیل تقاضا و پیشنهاد میکنیم که جلسات رسمی مجلس شورای ملی عوض هفته چهار روز هفته سه روز عبارت از یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه باشد.

رئیس -- آقای رفیع

حاج آقا رضا (رفیع) -- عرض کنم جمعی از آقایان اظهار کردند برای گرفتاری های خودشان اسباب زحمت است برای اینکه هم در کمیسیونها کار دارند هم بایستی باوقات مجلس برسند و هم برای رفتن در کمیسیونهای ادارات

بکارند. اگر صبر کنید و این زراعت را دولت برداشت و آنوقت این خالصجات را خواستیم بفروشیم حکم يك بیابان بی نمري خواهد داشت بنده عقیده ام بر این است که آقایان خوب است تصدیق فرمایند جزو دستور باشد (البته چیز های دیگر هم هست) که يك مسئله ختم بشود یا رأی بدهند که باید فروخت یا رأی بدهند که نباید فروخت.

رئیس -- مقصود این است که این لایحه در عوض خبر کمیسیون بودجه راجع باضافات وزارت خارجه باشد؟

مدرس -- خیر در درجه دوم اعتبار -- اضافات وزارت فوائد عامه هم هست خوب است در درجه سوم باشد.

رئیس -- رأی میگیریم باینکه در درجه سوم باشد. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد.

(مجلس بکریع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

دادگر -- عرض کنم که پیش ما معهود است که ما نایستادگان را نمیتوانیم کار بکنیم در نایستادگان بالاخره باید سی چهل پنجاه روزی، چهل روزی، سی روزی وقتی که حرارت زیاد است از کار کناره بگیریم و تنفس میدی بکنیم. برای اینکه اینکار مشروع باشد باید کارها ما را جلو بیندازیم بنده نظرم این است که آقای رفیع معتقد بشوند این چهار جلسه را که بیشتر از یکماه زمان ندارد آن یکماه هم چهار پنج روز کم است ادامه بدهیم و صرف وقت بکنیم قدری کارها را روبراه بکنیم بعد يك تنفس میدی بکنیم

رئیس -- رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده کثیری برخاستند)

رئیس -- تصویب شد پیشنهاد دیگر

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم لایحه فروش خالصجات جزو دستور پنجشنبه باشد مدرس

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- عرض میشود این خالصجات ما باید فروش برود با نرود باید مسئله معلوم باشد چون عقیده بنده این است که اگر خالصجات فروش میرود باید با زراعت موجوده فروش برود که هر کس میخورد یا رعابای ضعیف که میخواهیم بآنها بفروشیم برای سال بعد يك بذری هم داشته باشند که